



<http://www.arianafghanistan.com>



برلین - ۶ فبروری ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

**"نشست، نشست، نشست"**

**"گفتگو، گفتگو، گفتگو"**



از زمانی، که خلمی یا زلمی خلیل‌زاد، همهمه مذاکرات صلح امریکا با طالبان را سر زبانها انداخت، روزی نیست، که کلمات **"نشست"** و **"گفتگو"**، دهها و صدها بار بر زبان تلوزیونها جاری نباشد. و اینک، که جلسه و اجلاس و جرگه و کانفرانس مسکو به راه افتاده است، تکلیف ازین هم درآوردتر گشته است.

من شخصاً به همان اندازه ای، که از **"تهاجم فرهنگی"** رنج میبرم، از شنیدن کلمات نامناسب و غلط **"نشست"** و **"گفتگو"** و **"روند"** و امثالهم نیز عذاب میکشم. طی این سطور بر گوشه کوچکی از **"تهاجم فرهنگی ایران"** و اثرات شوم و سوئش بر زبان دری و حتی پشتوی افغانستان، مکتب خواهم کرد.

بلی؛ خواهران و برادران و عزیزان پشتون ما کلمه **"ناسته"** را به تقلید محض از **"نشست"** ترجمه کرده و سر زبانها انداخته اند. ضمن مقالات متعدد خود، که در طول سالیان متمادی نوشته شده و در **"افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"** در دسترس قرار دارند، بارها بر این نکته تأکید کرده ام، که:

**"تهاجم فارسی ایران"** نه تنها زبان دری ما را هدف گرفته است، بلکه حتی زبان عزیز پشتوی ما نیز از آن در امان نمانده است. پشتونان ما غالباً - که حتی تا سرحد **"تماماً"** و **"کلاً"** تقرب میکند - دوزبانه اند. بدین معنی، که ایشان هر دو زبان بزرگ و رسمی ما - دری و پشتو - را **"زبان مادری"** خود ساخته اند. چون نویسندگان پشتونویس ما از مآخذ ایرانی به حد اعلای آن استفاده میکنند، در هنگام نوشتن به پشتو، همان اصطلاحات و لغات خاص فارسی ایران را به پشتو برگشتانده و در مقالات پشتوی خود می‌گنجانند. نتیجه این میشود، که **"تهاجم فارسی ایران"**، مستقیماً و غیر مستقیم بر زبان پشتوی افغانستان نیز اثر می‌گذارد. البته وقتی این نکته را پیش میکشم، زبان تحریر و زبان ادبی ما را مد نظر دارم؛ چه دری باشد و چه پشتو. به لغات ذیل پشتو توجه گردد:

- **"کارپوه"** ترجمه مستقیم **"کارشناس"**، که اصل عربی و معمول و معقول آن **"متخصص"** است.

- "روانبناد" و "اروانبناد" ترجمه باللفظ از "روانشاد" و "ارواح شاد"، که اصل عربی آن "مرحوم" است و در زبان عامیانه و محاوره کابلی معمولاً "خدایامرز" میگوئیم.

- "ناسته" ترجمه تحت اللفظی از "نشست" است، که جانشین "جلسه" و "اجلاس" و "جرگه" شده است.

## رول تبلیغ:

در تهاجم فرهنگی از رول "تبلیغ" و "تکرار"، حد اعلاى استفاده را مرعى میدارند. چون خوب میدانند، که:

**"خوپذیر است، نفس انسانی!!!"**

یعنی آنقدر یک کلمه را به گوش و چشم خلق خدا میزنند، تا مردم بدان عادت کنند. معلوم است، که هر کلمه نو و جدید - هر قدر کاغذپیچ هم باشد - وقتی به تکرار به سمع شنونده رسانده شود، سرانجام، گوش و قوه شنوائی شنونده با آن عادت میکند. ستراتیژی مبلغان ظالم ولی هوشیار "تهاجم زبانی و فرهنگی" همین است. این ستراتیژی در بستر زمان و گذر وقت فراوان، بالأخره کار خود را میکند. مثلاً:

- آنقدر "نشست و نشست و نشست" میگویند و مینویسند، تا کلمات "جلسه و اجلاس و جرگه و لویه جرگه" همه شکست بخورند و حتی ضرب المثل مشهور "نشست و شکست" به "نشست و نشست" تبدیل گردد.

- آنقدر "دانشگاه و دانشگاه و دانشگاه" میگویند و مینگارند، تا مردم کلمه خوشنمای و مقبول و مأنوس "پوهنتون" را فراموش کنند.

- آنقدر "مجلس نمایندگان و مجلس نمایندگان و مجلس نمایندگان" میگویند، تا مقولات "ولسی جرگه" و "شورا" و "مجلس شورا" و "شورای ملی" از یاد خلق خدا "پنسل پاک" زده شود.

- آنقدر "ویژه ویژه ویژه" میگویند، که کلمه "خاص" قالب تهی کند.

- آنقدر "بیمارستان بیمارستان بیمارستان" میگویند و مینویسند، تا مردم "شفاخانه" را از دم تیغ بگذرانند.

- آنقدر مقولات ناقص "راهبرد و راهبردی و راهبردی و راهبردی و راهبردی و راهبردی" را تکرار میکنند، تا مردم مقولات جهانی "ستراتیژی و ستراتیژیک" را فراموش کنند.

- آنقدر "میز گرد و میز گرد و میز گرد" میگویند، تا "میز مَدور" از اذهان شسته شود.

- آنقدر "آماج و آماج و آماج" را مکرراً تکرار میکنند، تا کلمه "هدف" عربی از اذهان برود.

- آنقدر "موضع موضع موضع" را تکرار میکنند، که کلمه معمول "موقف" از میان برداشته شود.

- آنقدر "روند و روند و روند" را به گوش خلق الله میرسانند، تا مقوله فرانسوی و جهانی "پروسه" و کلمه عربی "جریان" از یادها بروند.

- آنقدر "شهروند و شهروند و شهروند" میگویند و مینگارند، تا مردم بدان خوی بگیرند و کلمات "همشهری" و "وطندار" و امثال آنها را، که بدانها عادت کرده ایم و از خود ما هستند، فراموش کنند.

- آنقدر "گفتگو و گفتگو و گفتگو" میگویند و مینویسند، تا کلمات معقول و مقبول و مأنوس و معمول "مذاکره" و "مفاهمه" از یاد مردم بروند.

- آنقدر "جشنواره و جشنواره و جشنواره" میگویند، تا کلمه جهانی "فستیوال" به طاق نسیان فرستاده شود.

- اینقدر "فناوری فناوری فناوری" را تکرار میکنند، که کلمات بین المللی "تکنولوژی و تکنالوجی" از اذهان مردم ما محو گردند.

- اینقدر "ارتش ارتش ارتش" میگویند، که کلمه "اردو" حتی از یاد "اردوی ملی" هم برود.  
 - اینقدر "واحد واحد واحد" میگویند، که کلمه "قطعه" از روی زمین برداشته شود.  
 - اینقدر "نیروها نیروها نیروها" میگویند، که مقوله مرّوج و سهل الهضم "قوا" از یاد اردو هم برود.  
 - اینقدر "آشنشانی آشنشانی آشنشانی" را به گوش مردم میرسانند، تا مقوله معمول "اطفائیه" خودکشی کند.  
 - اینقدر "فرمانده فرمانده فرمانده" را بر زبان میرانند، که هرچه "قوماندان" است، خلع سلاح و خلع لباس و خلع فورم و نشان گردند.  
 - اینقدر "رئیس ستاد ارتش رئیس ستاد ارتش رئیس ستاد ارتش" را به کار میبرند، که هرچه "لوی درستیز" در تاریخ اردوی ما بودند، کپه های زهر را نوش جان کنند.  
 - اینقدر "جدول زمانبندی شده جدول زمانبندی شده جدول زمانبندی شده" را نشخوار میکنند، تا ترکیب زیبا و فصیح و "خداخوب کرده" خود ما؛ یعنی "تقسیم اوقات" روی در نقاب خاک نهد.  
 و قس عل هذا

مبلغان "تهاجم فرهنگی و زبانی" ضمن این پروسه در واقع از فحواى همان مثل معروف کابلی استفاده میکنند، که:

«نو آمد به بازار، کهنه شد دلآزار»

اینان مگر فراموش میکنند، که مردم ما مثل دیگر و جامع تر را نیز در حافظه دارند، که:

«به کهنه خود بساز، که نو دیگران گران است!!!»

بابا! دل ما از شنیدن اینقدر "نشست نشست نشست" سیاه شد؛ و آنقدر سیاه شد، که دیگر حتی از کلمه "نشستن" هم بد  
 میبریم!!!

از برای خدا و از برای افتو روز قیامت!

بس است، اینقدر "از خودکشی و بیگانه پرستی"!!!

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ



نشست نشست نشست

Marooft\_k\_neshast\_neshast\_neshast.pdf